

اشکانیان

پروفسور سید حسن امین

□ در حدود ۲۶۱-۲۴۶ پیش از میلاد یکی از ساتراپ‌های پارتی تبار که بعدها «اشک (ارشک) اول» خوانده شد، در برابر جانشینان سلوکوس (وفات ۲۸۱ پیش از میلاد) که بر ایران و بین‌النهرین (میان رودان) سلطنت می‌کردند، سر برداشت و در منطقه‌ی شمال گرگان کنونی دولت ایرانی مستقلی تشکیل داد. بعد از او نیز برادرش که «تیرداد» (تیریداد) خوانده می‌شد، تا سال مرگش در ۲۱۱ پیش از میلاد، در گرگان و نواحی مجاور دریای مازندران به استقلال از سلوکیان که به سختی از پایتخت انطاکیه می‌توانستند به این سرزمین‌های دور لشکرکشی کنند، حکومت کرد.

سابقه‌ی قدرت یافتن تیرداد، چنین بود که سلوکوس دوم (۲۴۷-۲۲۶ ق. م.) با برادرش در سوریه اختلاف پیدا کرده بود و در نتیجه حاکم یونانی منطقه‌ی پارتیان که آندرا گوراس نام داشت، توانایی‌اش کم شد. در این وضع تیرداد علیه حاکم محلی دست به تحرکاتی زد و بر او غالب شد. سلوکوس دوم هم ناچار، تیرداد را به رسمیت شناخت.

برای درک تاریخ پانصد ساله‌ی اشکانیان منابع موجود بسیار مزجات است. این منابع محدود را می‌توان به چند نوع تقسیم کرد که پژوهشگران آینده هیچ یک از آن‌ها را نباید از نظر دور بدارند:

- ۱- منابع محدود یونانی و لاتین
- ۲- متون متعلق به ایران باستان مثل اوستا و تلمود
- ۳- متون تاریخی متعلق به قرون اول اسلامی مانند مسعودی، طبری
- ۴- میراث‌های تاریخی و یادمانی یعنی

تپه‌های باستانی و بقایای ساختمانی و معماری
۵- کتیبه‌ها، سنگ‌نوشته‌ها، سفال‌ها و فرش‌ها
۶- سکه‌ها، مهرها، نگین‌ها و جواهرات
۷- تحقیقات خاورشناسان مانند ادوارد براون، کریستنسن، گریشمن، هرتسفلد، مالکوم کالج، کافمن آلمانی، استانلی انگلیسی و دیگران.

حکیم ابوالقاسم فردوسی در شاهنامه که شناسنامه‌ی تاریخی و سند هویت ملی ما ایرانیان است و سه بخش اساطیری، پهلوانی و تاریخی دارد، می‌گوید که از اشکانیان در «نامه‌ی خسروان» یعنی در تاریخ سیاسی ایران باستان، جز نامی نشینده است:

چو کوتاه شد شاخ و هم بیخشان

نگوید جهان‌دیده تاریخ‌شان

از ایشان به جز نام نشینده‌ام

نه در نامه‌ی خسروان دیده‌ام

از اولین ایرانیانی که به نگارش تاریخ

اشکانیان موفق شد، محمدحسن خان

اعتمادالسلطنه است که کتاب خود را با عنوان

درر التیجان فی تاریخ بنی اشکان چاپ

کرد و در ۱۳۷۱ به همت همکار دانشمند ما

آقای دکتر نعمت احمدی و کیل مبرز

دادگستری تجدید چاپ شده است. اکنون، در

همان راستا، کتاب تازه‌یی به قلم استاد احمد

شاهد (شاعر و پژوهشگر سبزواری الاصل

مقیم اسفراین) از طرف انتشارات آستوئین به

سال ۱۳۸۷ منتشر شده است که از نقطه نظر

شناساندن ممالک تابعه‌ی اشکانیان به طور

عام و تعیین دقیق قلمرو اشکانیان منطقه‌ی

آستوئین یعنی اسفراین کنونی، کتاب سودمند

و خوشایند است.

اشکانیان که خود را وارث هخامنشیان می‌دانستند، می‌خواستند قلمرو خود را به حدود هخامنشیان توسعه دهند، ولی به آن موفق نشدند. با این همه دولت ایشان از بین‌النهرین تا بلخ توسعه داشت. ساتراپی‌های عصر اشکانی به دو قسمت علیا و سفلی تقسیم می‌شد. ساتراپی‌های علیا عبارت بودند از: پارت (خراسان)، کومیسنه یا کومیشان (قومس)، هیرکانی (گرگان)، مرو، هرات، زرنگ، آرا خوزیا، آستوئین یا آستوانه (شامل شهرهای اسفراین، بجنورد، سروان و قوچان). اما ساتراپی‌های سفلی عبارت بودند از سرزمین ماد شامل ماد بزرگ و ماد کوچک.

دولت اشکانی، از نظر حقوق اساسی، به خلاف نظام یگانه سالاری عصر هخامنشی، ساختاری ملوک الطوائفی داشت. در رأس هرم قدرت، شاه و در طبقه‌ی زیر ساتراپ (شهرب)‌ها قرار داشتند. یک نوع قانون اساسی عرفی، قدرت مطلقه شاه را محدود می‌کرد و مخصوصاً در تصمیمات مهم شاه را ناگزیر می‌کرد که با مجلس شورای خانواده سلطنتی (متشکل از اعضای ذکور خاندان سلطنت که به سن بلوغ رسیده باشند) و مجلس شیوخ (متشکل از کاهنان و روحانیون بلندمرتبه‌ی قوم پارت) به رایزنی بپردازند. حائز اهمیت است که انتصاب اعضای مجلس شورای خانواده‌ی سلطنتی، به میل شاه نبود و بنابر سنت اشکانی شاهدادگان ذکور همین که به حد رشد می‌رسیدند، در این مجلس عضویت می‌یافتند. در بعضی تصمیم‌گیری‌های مهم هم، شورایی متشکل از هر دو مجلس شورای سلطنتی و مجلس شیوخ تشکیل می‌شد که به آن «مهیستان» یا «مغستان» می‌گفتند و شاید «جرگه» که در افغانستان امروز هنوز نشانی از آن هست، بقیه السیف همان نهاد «مهیستان» باشد.

تقسیمات و ساختار اداری ایران در عصر اشکانیان در اغلب موارد همان بود که در عصر سلوکیان (جانشینان اسکندر مقدونی) وجود

داشت.

تقسیمات دولتی شامل دو قسمت بود: اول، تشکیلات خود دولت پارت و دوم، ممالک تابع دولت پارت، در داخل دولت پارت، ساتراپ‌نشین‌ها (ایالات بزرگ) به واحدهای کوچک‌تر (ولایات) که «پارخیا» خوانده می‌شد، تقسیم می‌شد و منطقه‌ای سفراین یکی از این ولایات بود. اشکانیان به اقتضای نظام سیاسی غیرمتمرکز خود در امر گردآوری مالیات تساهل بیشتری قائل بودند و اگرچه مالیات‌های عهد سلوکیان کمابیش همچنان وصول می‌شد، بخش عمده درآمد دولت اشکانی بر اثر رواج بازرگانی بین شرق و غرب از محل عوارض بازرگانی به عنوان حق ترانزیت و مالیات گمرکی تحصیل می‌شد.

این گونه مالیات‌ها مخصوصاً از عصر مهرداد دوم که با چنین رابطه بازرگانی برقرار کرد و طاقه‌های ابریشمی به عنوان کالایی سبک وزن و گران بها از طریق جاده ابریشم که از شمال ایران می‌گذشت، از چین به امپراتوری روم صادر می‌شد، فزونی گرفت. این عایدات پادشاهان اشکانی فراوان بود که تاسیتوس پارت‌ها را در مال و ثروت با رومیان هم‌دوش و برابر معرفی کرده است. در آن زمان، جمعیت کشور به دو گروه آزادگان و بردگان تقسیم می‌شد و آزادگان به دو طبقه تقسیم می‌شدند.

دسته اول شهروندان درجه یک که از حقوق کامل شهروندی (از جمله مالکیت اموال غیرمنقول) برخوردار بودند.

دسته دوم شهروندان درجه دو (مانند بردگان آزاد شده، یا کسانی که بر اثر ارتکاب جرم از جامعه طرد شده بودند) که از حقوق مدنی برخوردار نبودند.

خانواده یا دودک (به معنی دود یا اجاق خانواده) واحد اصلی جامعه بود و خانواده، پدرسالار، پدرتبار، چند زن‌گزین و گسترده بود. پیرمردان خانواده از قدرت و آمریت

قانونی کامل برخوردار بودند. زنان و فرزندان همچون صغیری که نیاز به قیم داشت، تابع و زیردست بود. زن در عصر اشکانیان حقوق خیلی کم‌تری برخوردار بوده است و زنان در امور اجتماعی دخالتی نداشته‌اند. زنان اشکانی نه تنها به پوشیدن چادر مجبور و از حضور در ملا عام ممنوع بودند، بلکه حتا حق هم سفره شدن با همسران خود را نیز نداشتند. دخالت دولت در حوزه خصوصی خانوادگی به هیچ وجه معمول نبوده است، به حدی که هرگونه جنایتی که در بین اعضا خانواده پیش می‌آید (مثل قتل زن به دست شوهر، یا قتل دختر بی‌شوهر به دست پدر، و یا قتل خواهر بی‌شوهر به دست برادر) به دادگاه عمومی رجوع نمی‌شده است. زیرا زن بی‌شوهر،

متعلق به خانواده پدری محسوب می‌شده است و پس از شوهرکردن متعلق به خانواده شوهر بوده و لذا اگر زن شوهردار به دست پدر یا برادر خود کشته می‌شد، موضوع قابل تعقیب بود.

حکومت اشکانیان از جهت نظام اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و قضایی از ادوار درخشان تاریخ ایران باستان است بویژه که:

اولاً از جهت نظام سیاسی به نوعی در توزیع قدرت، رعایت اعتدال می‌شده است و سلطنت موروثی جنبه‌ی حکومت استبدادی مطلقه نداشته است.

ثانیاً از جهت دینی و عقیدتی هم آزادمنشی دینی و کثرت‌گرایی مورد قبول بوده است. ■

دست‌نویس دکتر نعمت احمدی
استاد دانشگاه و وکیل دادگستری
بر پشت کتاب تاریخ بنی‌اشکان:
«برای... امین، با این امید که عمر
مجله‌اش حافظ... طولانی‌ترین
باشد، چه دولت اشکانی...
طولانی‌ترین بخش تاریخ ایران را به
خود اختصاص داده است.»

دکتر نعمت احمدی
۱۳۸۵